عنوان:

کاربرد فقهی اقسام تقابل

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-m-2 |
| موضوع | منطق/تقابل |
| موضوع مرتبط | فقه/خیار تدلیس |
| رده | علمی/منطق/تحقیقی پژوهشی/دانش منطق/مثال و تطبیق |
| برچسب | تقابل، ملکه و عدم ملکه، تضاد، غش در معامله، نصح |
| توضیحات | محتوای فایل صرفاً جنبه آموزشی دارد و در مقام بررسی کامل فقهی مسأله و اختیار فتوا نیست. |

آیا با استفاده از روایت

«وَ مَن غَشَّ مُسلِماً فی شراءٍ أو بَیعٍ فَلَیسَ مِنّا»[[1]](#footnote-1)

می‌توان فتوا داد که بر فروشنده بیان عیب مبیع واجب است؟

می‌گوییم بنابراین که غش در معامله را به معنای عدم اظهار عیب کالا معنا کنیم، در این صورت تقابل بین نصح (اعلام و اظهار خیر) و غش (عدم اظهار آن) تقابل به نحو ملکه و عدم ملکه می‌شود و چون روایت غش را نهی نموده، این دلالت بر وجوب اظهار دارد؛

زیرا در موضوعی که شأنیت ملکه وجود دارد واسطه ای بین این دو نیست و عدم یکی دلالت بر وجود دیگری دارد و بر عکس مثل اعمی و بصیر در موضوع انسان.

اما بنابراین که غش در معامله را به معنای اظهار نیکویی مال عیب دار معنا کنیم، در این صورت تقابل بین نصح و غش تقابل به نحو تضاد می‌شود زیرا هر دو وصف وجودی هستند.

در این صورت شق ثالثی نیز برای مسأله پیدا می‌شود یعنی حالتی که نه ناصح است و نه غاش؛ و آن صورتی است که سکوت می‌کند و اعلام خیر یا شر نکرده است، و این قسم سوم نیز از دایره مفهوم غش خارج است و متعلق نهی نخواهد بود و فروشنده می‌تواند سکوت اختیار کند.

1. - وسائل الشیعة، ج 17، ص 282 [↑](#footnote-ref-1)